

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در **موندوایس**
نوشته‌ی محمد حورینی
ترجمه مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۷ می ۲۰۲۵

چگونه بی بی سی مخاطبان را دستکاری می کند و اسرائیل را عادی سازی می کند.



محمد حرینی در حال مصاحبه با روزنامه‌نگار بریتانیایی، لویی ترو، در فلم مستند بی بی سی، «مهاجران»

(اسکرین شات، «مهاجران» bbc)

من در مستند بی بی سی با عنوان «شهرک‌نشینان» حضور داشتم. این بخشی از داستان من است که آن‌ها نگفتند. من با لوئیس ترو برای به اشتراک گذاشتن داستانم به عنوان یک فلسطینی تحت تهدید دائمی آوارگی ملاقات کردم. در حالی که این فلم نگاهی مهم به شهرک‌نشینان اسرائیلی دارد که سعی در محو کردن ما دارند، یک بخش حیاتی از داستان ما حذف شد.

مستند بی بی سی «شهرک‌نشینان»، به کارگردانی جاش بیکر و نویسندگی لوئیس ترو، اخیراً از توجه بین‌المللی زیادی برخوردار گردید و پخش شده است. هدف آن ارائه نگاهی از درون به ذهنیت شهرک‌نشینان اسرائیلی به مخاطبان غربی است – کسانی که زمین‌های فلسطینی در کرانه باختری را اشغال می‌کنند، اغلب با تعهد ایدئولوژیک آشکار به پاکسازی قومی و برتری طلبی.

این فلم تا حدودی به هدف خود می‌رسد، زیرا زبان خام و بی‌پرده شهرک‌نشینانی را افشاء می‌کند که بی‌شرمانه در مورد بیرون راندن فلسطینی‌ها از خانه‌های اجدادی خود صحبت می‌کنند.

اما در حالی که این مستند مایل بود میکروفون را در اختیار شهرک‌نشینان قرار دهد تا دیدگاه‌های خطرناک خود برای آینده را بیان کنند، به طرز دردناکی در دادن وزن مساوی به واقعیت زندگی کسانی که زندگی‌شان توسط همین ایدئولوژی‌ها در حال نابودی است، کوتاهی کرد.

من این را دست اول می‌دانم، زیرا من در این مستند حضور داشتم.

من جاش و لوئیس را ملاقات کردم و داستان شخصی‌ام را به عنوان یک فلسطینی از مسافر یطا، جامعه‌ای که تحت تهدید دائمی آوارگی قرار دارد، به اشتراک گذاشتم. من همچنین در مورد تاریخ عمیق‌تری صحبت کردم که مخاطبان غربی تقریباً هرگز نمی‌شنوند: چگونه پدربزرگ و مادربزرگم در سال ۱۹۴۸ توسط شبه‌نظامیان صهیونیستی در جریان نکت به زور از خانه‌هایشان رانده شدند. من از سفر طولانی ما به عنوان پناهنده، از این که چگونه به تپه‌های جنوب الخلیل رسیدیم، از این که نکت هرگز تمام نشد؛ بلکه صرفاً تغییر کرد، صحبت کردم. بولدورها جایگزین تفنگ‌ها شده‌اند و دستورات قانونی جایگزین اخطارهای اخراج شده‌اند، اما هدف همچنان یکسان است: محو کردن ما از سرزمینمان.

بله، حتماً منظور از آن جمله این است که:

اما آن بخش از روایت من، یعنی رویدادهای سال ۱۹۴۸ (که به عنوان «گناه اصلی» از آن یاد می‌شود و پایه‌گذار وضعیت کنونی به تصویر کشیده شده در فلم است)، از مستند حذف گردید.

برای فهم درست اتفاقاتی که در مستند نشان داده شده، باید به ریشه‌های آن، یعنی وقایع سال ۱۹۴۸ و آواره شدن فلسطینی‌ها (نکت)، پرداخته می‌شد. حذف این بخش اساسی، درک کامل و صحیح از وضعیت موجود را ناقص می‌کند. در عوض، مستند تصمیم گرفت از یک کلیپ کوتاه از صحبت‌های من در مورد رویدادهای اخیر در روستایم استفاده کند. گویی آن‌ها می‌خواستند سطح بحران را نشان دهند، بدون این که به ریشه‌های آن بپردازند؛ گویی می‌ترسیدند که افشای حقیقت کامل در مورد استعمار شهرک‌نشین، پاکسازی قومی و میراث پایدار نکت، بینندگان را ناراحت کند. خب، باید هم آن‌ها را ناراحت کند.

ارائه ایدئولوژی شهرک‌نشینان بدون دادن زمان مساوی به صدای فلسطینی‌ها برای نشان دادن این که چگونه این ایدئولوژی‌ها زندگی و جوامع را ویران می‌کنند، کافی نیست. شنیدن این که شهرک‌نشینان می‌خواهند فلسطینی‌ها را بیرون کنند کافی نیست، اگر از کسانی که نسل اندر نسل بیرون رانده شده‌اند نیز نشنوید.

انتخاب بی‌بی‌سی واضح بود: چارچوب‌بندی وضعیت به عنوان یک اختلاف سیاسی کنونی به جای تداوم یک کارزار ده‌ها ساله برای آواره کردن و محو کردن یک ملت کامل.

آن‌ها با حذف داستان‌های کامل ما، زمینه را پاکسازی کرده و از تأثیر آن می‌کاهند. گسترش مستمر شهرک‌نشینان در زمین‌های فلسطینی در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در چارچوب یک کارزار تقریباً ۱۰۰ ساله برای دزدیدن زمین‌های ما و پاکسازی ما از آن صورت می‌گیرد.

من ایده مستندسازی شهرک‌نشینان و سخنانشان را رد نمی‌کنم. جهان باید ببیند که چگونه نفرت و برتری‌طلبی در جامعه اسرائیل عادی شده است. اما هر مستندی که به چنین لفاظی‌هایی تریبون می‌دهد، باید با همان جدیت و عمق، داستان‌های کسانی را که در برابر آن مقاومت می‌کنند، نه فقط در حال حاضر، بلکه در حافظه، در تاریخ و در میراث، تقویت کند. داستان واقعی فقط در مقابل دوربین‌هایی که هر از گاهی از روستاهای ما بازدید می‌کنند اتفاق نمی‌افتد. این داستان در سال ۱۹۴۸، در روستاهای ویران شده، در اردوگاه‌های پناهندگان، در آوارها و ریشه‌های درختانی که پدربزرگ و مادر بزرگمان کاشته‌اند، رخ داده است و هنوز هم در حال وقوع است.

نکبت تمام نشده است. اما مبارزه ما برای گفتن حقیقت – تمام حقیقت – نیز تمام نشده است.